

۲۲۷۱۰۴۹

کتابخانه

کتابخانه ۰۹۳۹۹۴۴۹۴۱۱

مهاجران آشنا

جامعه‌شناسی ایرانی تباران حیدرآباد هند (دکن)

مهدی اصل زعیم

www.ketab.ir

انتشارات فروغ سپهر



سرشناسه: اصل زعیم، مهدی، ۱۳۵۱
عنوان و نام پدیدآور: مهاجران آشنا: جامعه‌شناسی ایرانی تباران حیدرآباد هند (دکن)/مهدی اصل زعیم.
مشخصات نشر: کرج: فروغ سپهر، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۱۶۵ ص.: مصور (رنگی)، جدول (بخشی رنگی)، نمودار (رنگی).
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۸۴۲۳-۵-۵

وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۶۳ - ۱۱۶۴.

عنوان دیگر: جامعه‌شناسی ایرانی تباران حیدرآباد هند (دکن).

موضوع: ایرانیان -- هند -- حیدرآباد

Iranians -- India -- Hyderabad

مهاجران -- هند -- حیدرآباد

Immigrants -- India -- Hyderabad

موضوع: ایران -- مهاجرت -- نمونه‌پژوهی

Iran -- Emigration and immigration -- Case studies

رده بندی کنگره: DS۴۲۲

رده بندی دیویی: ۰۰۴۹۱۴/۹۵۴

شماره کتابشناسی ملی: ۱۷۲۵۷۳۴

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

انتشارات فروغ سپهر



مهاجران آشنا

جامعه‌شناسی ایرانی تباران حیدرآباد هند (دکن)

نویسنده: مهدی اصل زعیم

طراح جلد: سیامک توده فلاح

شابک: ۹۷۸ - ۶۲۲ - ۹۸۴۲۳ - ۵ - ۵

چاپخانه: شبیدا

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰۰۰۰ تومان

مرکز پخش: کرج، میانجاده، بلوار امام خمینی کتابفروشی دانش ۳۴۵۵۳۱۲۹

فهرست مطالب

۵.....	دیباچه
۲۵.....	فصل اول : منظومه نظری
۲۶.....	جورج هربرت مید
۳۳.....	هربرت بلومر
۳۹.....	پی یر بورديو
۴۳.....	فصل دوم : حیدرآباد و ایرانی ها
۴۹.....	فصل سوم : طبقه بندی اقتصادی اجتماعی
۵۰.....	پایگاه اقتصادی اجتماعی
۶۳.....	سرمایه اجتماعی
۶۹.....	سرمایه فرهنگی
۷۴.....	جمع بندی فصل
۷۶.....	فصل چهارم : سبک زندگی ایرانی تبارها
۸۹.....	جمع بندی فصل
۹۳.....	فصل پنجم: بر ساخت هویت
۹۵.....	هویت ایرانی
۹۵.....	نسل مهاجرت کننده به هند
۱۱۸.....	هویت هندی
۱۳۰.....	جمع بندی فصل
۱۴۲.....	پیوست تصویری: توصیفی تصویری از اماکن و مراسمات ایرانیان
۱۶۴.....	فهرست منابع

دیباچه

هنگامی که به هند و ایران می‌اندیشیم، دو فرهنگ و دو سرزمین بیگانه به ذهن خطور نمی‌کند بلکه جدابیت‌های دو سرزمین و دو فرهنگ برای یکدیگر چنان بوده که تعاملات تاریخی و ارزنده‌ای را در حوزه‌های مختلف زیست از جمله فرهنگ و ادب، سیاست، تجارت و هنر به طور مداوم در پی داشته است و امروزه اگر بخواهیم مروری تاریخی بر تعاملات این دو حوزه تمدنی داشته باشیم، ناگزیریم به هزاره‌های قبل بازگردیم و رد داد و ستدهای دو حوزه ایران و هند را در شاهراه‌های تاریخی بازبینی نماییم.

"ایران با سرزمین هند پیوندی کهن دارد. این پیوند از زمانی شروع می‌شود که افراد خانواده هند و ایرانی از هم جدا شدند و گروهی در خاک ایران و گروه دیگر در هند، سکونت اختیار کردند."^۱ قربات‌های تاریخی و داد و ستدهای فرهنگی میان ایران و هندوستان در دو حوزه رسمی حکومت‌ها و حوزه عمومی مشتمل بر افراد و گروه‌های اجتماعی از جمله دانشمندان، ادبا، هنرمندان و عرفا، همیشه بوقرار بوده به گونه‌ای که می‌توانیم شواهد تاریخی آن را در حکومت هخامنشیان و کتیبه‌های بر جای مانده از آن دوران به عینه مشاهده کنیم. در کتیبه بیستون در ایران، داریوش شاهنشاه بزرگ ایران از ایالت ثروتمند هیندوش در جنوب شرقی ایران بزرگ به عنوان جزئی از قلمرو خویش نام می‌برد.^۲

"ایرانیان و هندیان در عصر ودایی به یک زبان سخن می‌گفتند و خدایان مشابهی را می‌پرستیدند که فقط در لفظ تفاوت داشتند."^۳ همین ریشه‌های مشترک دینی و فرهنگی در کنار همجواری جغرافیایی دو سرزمین از عواملی بودند که این روابط را نه تنها حفظ

۱- اسلم خان، محمد، "روابط کهن فرهنگی ایران و هند و معرفی نسخه‌های خطی شاهنامه در موزه ملی هند"، مجله ایران

شناسی، سال هفتم، صص ۵۶۰ تا ۵۷۸، ص ۵۶۰

۲- یاراحمدی، مهدی، "راه قندهار، بررسی عوامل و موجبات روابط حسنه ایران و هندوستان در دوره صفوی"، کتاب ماه تاریخ و

جغرافیا، آبان ۹۰، شماره ۱۶۲ صص ۵۵-۵۱، ص ۵۱

۳- همان، ص ۵۱

کردند بلکه در مقاطع مختلف تاریخی آن را بسط دادند و به آن افزودند آنگونه که در دوره ساسانیان، این دو سرزمین به حدی از نزدیکی روابط رسیدند که سکه‌های هند و ساسانی ضرب شد. این مهم نشان از یکپارچگی بی‌نظیر و روابط تنگاتنگ فرهنگی، سیاسی و تجاری بین ایران و هندوستان دارد.^۱

تعاملات دو سرزمین هند و ایران چنان عمیق و وسیع بوده که آثار تاریخی برجای مانده آن را در بخش‌های مختلف حتی امروزه به راحتی می‌توانیم شاهد باشیم. هندیان در زمانه امپراتوری بزرگ هخامنشیان، از ایران آیین کشورداری، معماری، هنر و الگوهای نوشتاری آموختند و ایرانیان نیز در دوره طلایی ساسانی از فرهنگ هند وام‌ها گرفتند که از جمله آنها می‌توانیم از تأثیرگذاری طب هندی، پند و اندرزها، داستان‌های حکیمانه، عرفان هندی، شطرنج و عقاید دینی نام ببریم.^۲

پس از دوره ساسانیان و ورود اسلام به ایران و حکومت مسلمانان بر سرزمین پهناور ایران، در مقطعی تاریخی، ارتباط این دو سرزمین همجوار که سده‌های متمادی تجربه روابط حسنه تجاری، سیاسی و فرهنگی را داشتند، دچار کژری و اعوجاج شد و گاهی صورت تهاجم نظامی و قتل و غارت نیز به خود گرفت که نمونه آن را می‌توانیم حمله سلطان محمود غزنوی به هندوستان و چپاول این سرزمین ذکر کنیم اما نکته قابل توجه این است که حاکمیت فردی همچون سلطان محمود در ایران نیز حکومت غاصب و حاکمیت جور بود و ایرانی شمرده نمیشد.

انقراض سلطنت ساسانیان و آغاز حکومت مسلمانان در سرزمین ایران و تغییر مذهب ایرانیان از زرتشت به اسلام علتی شد تا به لحاظ تاریخی با اولین موج مهاجرت ایرانیان با نام پارسیان، به سرزمین هند مواجه باشیم. انتخاب هندوستان به عنوان سرزمین دوم و مقصد

۱- همان، ص ۵۲

۲- حافظی‌نیا، محمد رضا، "روابط فرهنگی ایران و هند در قبل از اسلام"، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، دانشگاه تربیت مدرس، شماره مقاله ۴۵۲، صص ۱۰۶-۸۸، ص ۹۸

مهاجرت ایشان، نشان از آشنایی ایرانیان با ویژگی‌های فرهنگی اجتماعی هندوستان در قبل از مهاجرت دارد. آنگونه که می‌دانستند در سرزمین مقصد می‌توانند به آیین خویش پای‌بند باشند و اینگونه شد که پیش‌بینی می‌کردند.

امروزه پارسیان به عنوان گروهی شناخته شده در هندوستان، به آیین زرتشتی خویش پای‌بندند و در کنار سایر گروه‌های مؤمن به ادیان موجود در این سرزمین، ضمن توفیق‌های برجسته اقتصادی و اجتماعی به زیست مؤمنانه زرتشتی خویش می‌پردازند و "پارسی‌های امروز، نوادگان پناهندگان ایرانی‌ای هستند که بعد از سقوط امپراتوری ایران توسط اعراب مسلمان در سال ۶۵۱ میلادی به گجرات آمدند. پارسی‌ها به سنجان - یک روستای کوچک ماهیگیری در سواحل غربی گجرات - مهاجرت کردند."^۱

ایرانیانی که سعی در پایداری آیین پدران خویش داشتند و به کیش نوی اسلام وارد نشدند، ناگزیر به هجرت شدند و آنانی که به اختیار یا اجبار به کیش نو درآمدند هم روزگاری امن و آرام را تجربه نکردند. تحولات سیاسی اجتماعی دوران حاکمیت اعراب بنی‌امیه، عدم توفیق ایرانیان در استقرار با دوام و فراگیر حکومت ایرانی مسلمان و تهاجمات پیاپی بیگانگان به سرزمین ایران، جامعه ایران را به ویرانی کشاند و ناامنی را چنان پایدار کرد که نه تنها اندیشه ایرانی مجال بروز و ظهور نیافت بلکه جان و مال و ناموس ایرانیان نیز در معرض خطر پیاپی بود و چنین شرایطی موجب ایجاد موج دوم مهاجرت ایرانیان به خارج از سرزمین مادری خود شد و کجا آشناتر از هند برای ایرانیانی بود که قصد حفظ جان خویش و بسط اندیشه و هنر و ادب خویش را داشتند و تاریخ مؤید این مطلب است که "در بین گروه‌های مختلفی که در طول تاریخ به هند مهاجرت کرده‌اند، ایرانیان موقعیت خاصی داشته‌اند."^۲

۱- Nanavutty, P., The Parsis. ۱۹۷۷, New Delhi: National Book Trust. P۴۵

۲- جابری نسب، نرگس، "مهاجرت ایرانیان به هند"، فصلنامه مطالعات شبه قاره، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال اول، شماره اول، زمستان ۸۸، صص ۲۵-۵۶، ص ۲۷